irannewspaper.ir

سه‌شنبه ۲ دی ۱۴۰۴ • سال سی‌و یکم • شماره ۸۹۱۸
• اذان ظهر ۱۲/۰۳ • اذان مغرب ۱۷/۱۶ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۹ • اذان صبح فردا ۰۵/۴۲ • طلوع آفتاب فردا ۰۷/۱۲

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:
صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:
هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل: علی متقیان
• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری، چاپخانه مؤسسه جام‌جم
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام هادی(ع):
حسد، کارهای خوب را از بین می برد و دروغ، دشمنی می آورد.

بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۲۰۰

نقل قول

شاهنامه ریشه مشترک هویتی ایران و تاجیکستان است

می‌توان شاهنامه را به عنوان یک «هسته متنی» در نظر گرفت و بر اساس آن، یک برنامه‌ریزی سه‌ساله طراحی کرد. البته این ایده‌ها نیازمند تدوین دقیق‌تر و تبدیل شدن به برنامه‌های اجرایی و زیرساختی است. قدم اول، رفتن کتاب به خانه‌های مردم است که خوشبختانه در تاجیکستان محقق شده و اکنون باید گام‌های بعدی برای تبدیل شاهنامه به روح، نهاد و هسته فکری جامعه برداشته شود؛ مسیری که نه‌تنها برای تاجیکستان، بلکه برای ایران نیز ضروری است. شاهنامه یک اثر بزرگ آمیزه‌ای از حکمت، اسطوره، تاریخ و اندیشه است و می‌تواند فرصت‌های متعددی برای فعالیت‌های فرهنگی و هویتی دو ملت فراهم کند. شاهنامه ریشه مشترک هویتی ایران و تاجیکستان است و سرمایه‌گذاری دولت تاجیکستان در این حوزه، فرصت تازه‌ای برای همکاری‌های مشترک ایجاد کرده است.

گزیده‌ای از صحبت‌های سیدعباس صالحی وزیرفرهنگ و ارشاد اسلامی در دیدار با دولت سفرزاده معاون وزیر فرهنگ جمهوری تاجیکستان/ایرنا

تماشای «بهار شیراز» با صدای علی زندوکیلی

سریال «بهار شیراز» به کارگردانی حسن وارسته با صدای علی زند وکیلی از شامگاه دوشنبه (اول دی ماه) به پخش شبکه دو رسید. ترانه این قطعه را داود غلامی شیرازی سروده و محمد زندوکیلی آهنگسازی آن را برعهده داشته و حسین امیدی هم به عنوان تنظیم‌کننده در ساخت قطعه «بهار شیراز» همکاری داشته است. سریال «بهار شیراز» قصه خانواده‌ای شیرازی به نام «معدل» است که هر بار درگیر یک اتفاق شیرین می‌شوند. این سریال از محصولات مرکز سیمرغ است./ایرنا

هنرنمایی مهران مدیری در سریال «ریمنی»

مهران مدیری پس از محمدرضا گلزار به ترکیب بازیگران جدیدترین سریال «مجید توکلی» اضافه شد. «ریمنی» به کارگردانی مجید توکلی، تهیه‌کنندگی سید ابراهیم عامریان و نویسندگی مسعود خاکباز هم‌اکنون در مرحله پیش‌تولید است. پیش از این نقش‌آفرینی محمدرضا گلزار و بابک حمیدیان در این سریال قطعی شده بود. اطلاعات تکمیلی و دیگر بازیگران این سریال نمایش خانگی بزودی معرفی می‌شوند. «ریمنی» در بخش خصوصی تولید می‌شود و جدیدترین محصول عامریان فیلم است./مهر

درگذشت یک کارگردان نام‌آشنا

احسان صدیقی کارگردان «بازی برنده‌ها» که جایزه ویژه دبیر نوزدهمین جشنواره «سینماحقیقت» را هفته گذشته دریافت کرد، روز گذشته پس از تحمل یک دوره بیماری در ۴۴ سالگی درگذشت. در بخشی از پیام تسلیت مرکز گسترش آمده: «برای احسان صدیقی که در اوج بیماری، امیدوارانه، خلق هنری را انتخاب کرد و کوشید از راز همزیستی مرگ و زندگی بگوید، آرزوی مغفرت داریم، یادش را گرامی خواهیم داشت و لبخندهای واپسینش در ۲۵ آذر روی صحنه تالار وحدت را در ذهن حفظ خواهیم کرد.»/مهر

فرزاد ادیبی، نمایشگاه‌گردان رویداد «دو دوست، دو استاد» در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کرد

آثار ممیز و آلتینتاش؛ روایت پیوندهای گرافیکی ایران و ترکیه

گزارش

سعیده احسانی‌راد
گروه فرهنگی

به مناسبت سال فرهنگی ایران و ترکیه ۲۰۲۵ نمایشگاه مشترک آثار گرافیکی مرتضی ممیز، پدر گرافیک نوین ایران و یوردائِر آلتینتاش، طراح نام‌آشنای ترکیه به نام نمایشگاه «دو دوست، دو استاد: آلتینتاش- ممیز» در دانشگاه «آنادولو»ی ترکیه و دانشگاه تهران برگزار شد. مرتضی ممیز و یوردائِر آلتینتاش، دو هنرمند از دو جغرافیای متفاوت‌اند که هر یک مسیر تاریخ طراحی گرافیک را در کشور خود دگرگون کرده‌اند. هر دو با اتکا به میراث فرهنگی خود، زبان بصری دوران خود را شکل داده‌اند و پوستر را از یک ابزار صرفاً ارتباطی، به رسانه‌ای اندیشمندانه و هنری بدل کرده‌اند.

زبان نمادین ممیز-که زیبایی‌شناسی ایرانی را با اصول مدرن طراحی می‌آمیخت-در کنار نگاه مینیمال و تایپوگرافی ظریف آلتینتاش، پلی بصری میان دو ملت ساخت و حساسیت مشترک فرهنگی را به نمایش گذاشت.

فرزاد ادیبی، نمایشگاه‌گردان نمایشگاه «دو دوست، دو استاد» در بخش ایران در دانشگاه تهران درباره ایده برپایی این نمایشگاه به «ایران» گفت: «اواخر بهار یکی از دوستان گرافیست از ترکیه به نام دکتر «توفیق فیکرت اوچار» تماس گرفت و پیشنهاد برپایی این نمایشگاه را همزمان در ایران و ترکیه داد. از آنجا که استاد ممیز بانی رشته گرافیک در دانشگاه تهران بودند و من هم در آنجا تحصیل کردم، نگارخانه تجسمی هنرهای زیبای دانشگاه تهران محل برپایی این نمایشگاه در ایران و دانشگاه آنادولو هم در ترکیه انتخاب شد.

این گرافیست به سابقه دوستی استاد آلتینتاش و ممیز اشاره کرد و افزود: «این دو استاد تقریباً همسن بودند و در مجامع هنری شناخته شده و از افراد تأثیرگذار رشته گرافیک در کشور خودشان بودند و چون هم‌نسل هستند و از لحاظ شیوه کاری در خیلی از موارد شباهت‌هایی داشتند. می‌دانیم که گرافیک یک رسانه وارداتی در ایران و ترکیه است، اگرچه هر دو کشور به لحاظ تصویری و تاریخ گرافیک قدمت و تاریخ دارند اما گرافیک مدرن که می‌توان گفت «هنر-فن-رسانه» است، پدیده‌ای غربی است چون این دو استاد به گرافیک مدرن توجه و گرایش داشته‌اند اشتراکاتی از نظر شیوه کاری هم دارند.»

> زبان نمادین ممیز-که زیبایی‌شناسی ایرانی را با اصول مدرن طراحی می‌آمیخت- در کنار نگاه مینیمال و تایپوگرافی ظریف آلتینتاش، پلی بصری میان دو ملت ساخت و حساسیت مشترک فرهنگی را به نمایش گذاشت

ادیبی به ارتباط خوب استاد ممیز با گرافیست‌های ترکیه به واسطه سفرهای هنری که به این کشور داشتند، اشاره و تصریح کرد: «استاد ممیز با طراحان و گرافیست‌های ترک ارتباط خوبی داشتند. چند سال پیش در کتابم به نام «ممیز/...» به تمام وجوه شناخته شده و ناشناخته این استاد گرافیک پرداختم مثلاً از غلامحسین نامی خواستم راجع به نقاش بودن ممیز بنویسد و از غلامحسین امیرخانی درباره همکاری‌شان در تأسیس خانه هنرمندان یا هوشنگ گلمکانی درباره وجوه سینمایی هنر او مطلب گرفتم و ضیا موحد درباره نویسندگی ممیز نوشت.

یکی از بخش‌هایی که علاقه‌مند بودم در این کتاب باشد «ممیز از نگاه همسایه‌های ایران» بود که صادق کارا مصطفی و توفیق فیکرت اوچار از ترکیه لطف کردند و درباره استاد ممیز نوشتند.» او در پاسخ به این سؤال که نمایشگاه «دو دوست، دو استاد: آلتینتاش- ممیز» چقدر در تبادل فکر و اندیشه بین هنرمندان گرافیست دو کشور کمک کرد، گفت: «هر نمایشگاهی در هر جا و هر زمانی یک بستر آموزشی و یک رفتار فرهنگی است. نمی‌دانم که چقدر در تبادل فکر و اندیشه موفق بوده اما استقبال خوبی از این نمایشگاه‌ها در هر دو کشور شد.»

ادیبی با بیان اینکه هیچ مقام ایرانی و ترکیه‌ای در این نمایشگاه کمک و نقش نداشتند، گفت: «هر دو مستقل عمل کردیم، من برای چاپ پوسترهای نمایشگاهی و اقلام تبلیغی و حتی نقاشی دیوار نگارخانه، حامی مالی گرفتم که خوشبختانه به خوبی برگزار شد، البته یکی از معاونین سفیر ترکیه، سه روز بعد از افتتاحیه، از نمایشگاه دیدن کرد و در آنادولو هم یک دیپلمات ایرانی به افتتاحیه نمایشگاه رفته بود.»

او درباره آثاری که در این دو نمایشگاه از دو گرافیست برجسته به نمایش در آمد، گفت: «نمایشگاه آثار گرافیک استاد ممیز و استاد آلتینتاش، شامل مجموعه‌ای از پوسترها، طراحی‌ها، نشانه‌ها و نمونه‌هایی از آثار شاخص گرافیکی دو هنرمند بود که سیر تحول بصری و نگاه خلاقانه آنان را به نمایش گذاشت. از آلتینتاش فقط پوسترهای سینمایی و نمایش بود و دوست داشتم همین نوع از پوسترهای ممیز نیز روی دیوار برود که کارهای بسیاری در این زمینه‌ها دارد، اما وقتی از بنیاد ممیز کارها را خواستم تقریباً همه در ابعاد کارت‌پستال بودند و مناسب چاپ نبودند. انوشیروان (پسر زنده‌یاد ممیز) خیلی به زحمت افتاد و همه آرشیو را زیر و رو کرد ولی کیفیت کارها پایین بود، چون اکثر این پوسترها دستی کار شده و فقط برای اندازه کتاب از آنها عکاسی شده بود. از موزه گرافیک خواستم کارهای ممیز را به من بدهند که آنها هم خیلی خوب نبودند، مجبور شدم پوسترهایی را انتخاب کنم که کیفیت نسبتاً قابل قبولی داشتند و امکان بازسازی و ویرایش کامپیوتری داشتند که بعضی از آنها را دوباره اجرا کردم و موضوع پوسترهای این نمایشگاه، پوسترهای سینمایی، نمایش و فرهنگی شد.»

این استاد دانشگاه درباره وضعیت گرافیست‌های ایرانی در مقایسه با هنرمندان کشورهای دیگر، اظهار کرد: «تقریباً مثل هم هستند اما در بخش‌هایی متفاوتند، مثلاً در ساختار کارها به خاطر نوع خط با هم تفاوت دارند یا اینکه آنها در شرایط اقتصادی پایدارتری نسبت به گرافیست‌های ایرانی کار می‌کنند که قطعاً روی کیفیت کار و چاپ تأثیر دارد.»

نزدیکی دو ملت ایران و ترکیه

«توفیق فکرت اوچار» گرافیست و نمایشگاه‌گردان دانشگاه «آنادولو»ی ترکیه گفت: «همسایگی رابطه‌ای ارزشمند است؛ گاه چنان صمیمی که حتی از خویشاوندی پیشی می‌گیرد و زندگی را با دوستی معنا می‌بخشد. ایران و ترکیه دو کشور دوست‌اند که ریشه‌های مشترک آنان در سنت، فرهنگ، هنر و زندگی اجتماعی، پیوندی دیرینه و نزدیک میانشان ایجاد کرده است.»

یوردائِر آلتینتاش و مرتضی ممیز، هر دو در یک دوره به دنیا آمدند و هر یک در کشور خود گام‌های مهمی در شکل‌گیری «طراحی گرافیک» برداشتند. آنان چون دو چنار کهنسال -یکی در خیابان ویلای تهران و دیگری در چراغان استانبول- سنت طراحی و هنر را در کشور خود گسترش دادند و اکنون با این نمایشگاه، زمینه نزدیکی دوباره دو ملت را فراهم کرده‌اند. امید دارم این نمایشگاه، بستر تقویت پیوندهای فرهنگی و گرافیک میان دو کشور باشد.

درباره پیامدهای تدریس غیرتخصصی در موسیقی

در شانزده دقیقه خواننده شو!

یادداشت

علیرضا سپهوند
روزنامه‌نگار موسیقی و آهنگساز

در سال‌های اخیر، گسترش آموزشگاه‌های آزاد هنری، بویژه در حوزه موسیقی، فرصتی ارزشمند برای علاقه‌مندان این هنر فراهم کرده است تا بتوانند خارج از ساختارهای محدود دانشگاهی، به یادگیری موسیقی بپردازند. با این حال، در کنار این فرصت، چالش‌ها و آسیب‌های جدی نیز شکل گرفته که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، فعالیت مدرسان فاقد صلاحیت حرفه‌ای و تخصصی، به‌خصوص در حوزه آموزش آواز و نوازندگی است؛ مسأله‌ای که آثار مخرب آن به‌تدریج بر پیکره آموزش موسیقی نمایان شده است. یکی از معضلات اساسی در این زمینه، حضور افرادی در جایگاه مدرس است که خود در عرصه حرفه‌ای موسیقی به توفیق مشخص و قابل دفاعی دست نیافته‌اند. این افراد نه سابقه اجرایی قابل‌توجهی دارند، نه دانش تئوریک عمیق و نه مهارت عملی اثبات‌شده‌ای که بتواند پشتوانه جایگاه آموزشی آنان باشد. با این حال، به دلایل مختلف از جمله نبود نظارت مؤثر، سهولت اخذ مجوز تدریس، و نبود معیارهای شفاف برای احراز صلاحیت، در آموزشگاه‌های موسیقی مشغول به فعالیت هستند.

بررسی‌های میدانی و گفت‌وگو با هنرجویان نشان می‌دهد که بسیاری از این مدرسان، در لایه‌های پنهان شخصیت خود، دچار نوعی سرخوردگی ناشی از ناتوانی در دستیابی به جایگاه مورد نظر در موسیقی هستند. این ناکامی، به‌جای آنکه به بازنگری، آموزش مجدد یا ترک فعالیت غیرتخصصی منجر شود، گاه به شکل عقده‌های حل‌نشده بروز پیدا می‌کند و مستقیماً بر شیوه تدریس و برخورد آنها با هنرجویان تأثیر می‌گذارد.

پیامد اول این وضعیت، ارائه آموزش‌های نادرست و غیرعلمی است. در حوزه آواز، آموزش غلط می‌تواند نه‌تنها موجب توقف پیشرفت هنرجو شود، بلکه در مواردی آسیب‌های جسمی و صوتی جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد. استفاده نادرست از حنجره، تمرین‌های غیراصولی، بی‌توجهی به فیزیولوژی صدا و عدم آشنایی با متدهای معتبر آموزشی، از جمله خطاهایی است که به‌وفور در کلاس‌های این‌گونه مدرسان مشاهده می‌شود.

نتیجه چنین آموزش‌هایی، شکل‌گیری نسل بزرگی از هنرجویان سرخورده است؛ افرادی که با انگیزه و علاقه وارد مسیر موسیقی شده‌اند، اما پس از سال‌ها صرف وقت و هزینه، نه‌تنها به اهداف خود نرسیده‌اند، بلکه گاه اعتمادبه‌نفس، علاقه و حتی سلامت صوتی خود را از دست داده‌اند. بسیاری از این هنرجویان زمانی متوجه مسیر اشتباه می‌شوند که اصلاح آن یا بسیار دشوار شده یا نیازمند صرف هزینه و زمان مضاعف است.

> در حوزه آواز، آموزش غلط می‌تواند نه‌تنها موجب توقف پیشرفت هنرجو شود، بلکه در مواردی آسیب‌های جسمی و صوتی جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد

در این میان، بنابر تحقیقاتی که در سال‌های اخیر و از طریق بررسی پرونده‌های آموزشی، گفت‌وگو با مدیران آموزشگاه‌ها و بررسی سوابق مدرسان انجام شده، مشخص شده است که بخش قابل‌توجهی از مدرسان ساز و آواز، مجوز تدریس خود را نه از معاونت برنامه‌ریزی و آموزش‌های هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ـ که متولی تخصصی، قانونی و مرتبط با آموزش هنر است ـ بلکه از سازمان فنی و حرفه‌ای کشور دریافت کرده‌اند. این در حالی است که سازمان فنی و حرفه‌ای اساساً با هدف آموزش مهارت‌های شغلی و فنی تعریف شده است.

این جابه‌جایی نهاد متولی صدور مجوز، یکی از ریشه‌های اصلی وضعیت نابسامان کنونی در آموزش موسیقی به شمار می‌رود. صدور گواهی تدریس موسیقی بر اساس الگوهای فنی و مهارتی، بدون ارزیابی جدی دانش تئوریک موسیقی، سابقه اجرایی، شناخت مکاتب آوازی و تسلط بر متدهای علمی آموزش، در عمل به مشروعیت‌بخشی به افرادی منجر شده است که صلاحیت لازم برای تدریس هنر را ندارند. چنین سازوکاری نه‌تنها اشتباه، بلکه به‌نوعی انحراف در مسیر آموزش اصولی هنر محسوب می‌شود و پیامدهای آن امروز به‌وضوح قابل مشاهده است.

از سوی دیگر، یکی از رفتارهای رایج در میان برخی از این مدرسان ناکارآمد، نقد شدید و تخریبی خوانندگان و نوازندگان برجسته است. این افراد، به‌جای ارائه تحلیل‌های علمی، فنی و منصفانه، با استفاده از استدلال‌های بی‌پایه و گاه شخصی، چهره‌های موفق موسیقی را زیر سؤال می‌برند. این در حالی است که خود، در عمل، از اجرای حتی یک قطعه ساده آوازی یا سازی عاجز هستند و توان ارائه نمونه عملی از ادعاهایشان را ندارند.

چنین رویکردی، علاوه بر گمراه کردن هنرجویان، باعث شکل‌گیری نگرشی نادرست نسبت به مفهوم نقد هنری می‌شود. هنرجویی که تحت تأثیر این فضا قرار می‌گیرد، به‌جای یادگیری اصول علمی نقد، به تخریب، انکار و بی‌اعتبار دانستن تلاش و موفقیت دیگران عادت می‌کند؛ رفتاری که در نهایت به تضعیف اخلاق حرفه‌ای در جامعه موسیقی منجر می‌شود.

مسأله مهم دیگر، نبود نظارت مؤثر از سوی نهادهای متولی آموزش هنر است. اگرچه آموزشگاه‌های آزاد هنری زیر نظر ارگان‌های مشخصی فعالیت می‌کنند، اما در عمل، نظارت‌ها اغلب به مسائل اداری و ظاهری محدود می‌شود و ارزیابی تخصصی سطح علمی و عملی مدرسان، جایگاه چندانی ندارد. این خلأ نظارتی، همراه با صدور مجوزهای غیرتخصصی، بستری مناسب برای تداوم فعالیت افراد فاقد صلاحیت فراهم کرده است. ضروری است نهادهای مسئول، با تدوین معیارهای شفاف و سخت‌گیرانه، احراز صلاحیت مدرسان موسیقی را صرفاً از مسیر نهادهای تخصصی هنری و بر اساس دانش تئوریک، توان عملی، سابقه اجرایی و آشنایی با متدهای معتبر آموزشی انجام دهند. برگزاری آزمون‌های تخصصی، ارزیابی دوره‌ای عملکرد مدرسان، و دریافت بازخورد واقعی از هنرجویان می‌تواند گامی مؤثر در این مسیر باشد.

وعده‌های فریبنده و تجاری‌سازی آموزش موسیقی

معضل مهم و نگران‌کننده دیگر در حوزه آموزش موسیقی، رواج ادعاهای بی‌پایه و غیرعلمی از سوی برخی آموزشگاه‌های آزاد هنری است؛ آموزشگاه‌هایی که به‌جای پایبندی به اصول آموزشی، کیفیت و سلامت هنرجو، رویکردی کاملاً تجاری و سودمحور در پیش گرفته‌اند. این مراکز، با هدف جذب حداکثری هنرجو و افزایش درآمد، از شعارها و وعده‌هایی استفاده می‌کنند که نه‌تنها با واقعیت‌های آموزش موسیقی همخوانی ندارد، بلکه آشکارا غیرقابل تحقق و گمراه‌کننده است.

عباراتی مانند «در شانزده دقیقه خواننده شو»، «نوازندگی کامل ساز در سه ماه»، «تضمین خواننده یا نوازنده شدن»، یا «رسیدن به سطح حرفه‌ای بدون نیاز به تمرین طولانی» نمونه‌هایی از این ادعاهای واهی هستند که متأسفانه در تبلیغات محیطی، فضای مجازی و حتی گفت‌وگوهای اولیه با هنرجویان به‌وفور مشاهده می‌شود. این وعده‌ها، با نادیده گرفتن ماهیت تدریجی، زمان‌بر و پیچیده یادگیری موسیقی، تصویری کاملاً تحریف‌شده از فرآیند آموزش ارائه می‌دهند و انتظاراتی غیرواقعی در ذهن هنرجویان ایجاد می‌کنند.

در عمل، این آموزشگاه‌ها با طراحی دوره‌های به‌اصطلاح «فشرده»، «ضربتی» یا «کوتاه‌مدت»، تلاش می‌کنند حجم زیادی از مطالب را در زمانی بسیار محدود ارائه دهند؛ دوره‌هایی که نه‌تنها فرصت درک عمیق، تمرین اصولی و تثبیت مهارت‌ها را از هنرجو می‌گیرند، بلکه غالباً هیچ خروجی مثبت و پایداری نیز به همراه ندارند. موسیقی، بویژه در حوزه آواز و نوازندگی، نیازمند تکرار مستمر، زمان، اصلاح تدریجی خطاها و شکل‌گیری هماهنگی‌های پیچیده جسمی و ذهنی است؛ امری که با هیچ دوره فشرده و تبلیغ‌محور قابل جایگزینی نیست.

پیامد چنین رویکردی، افزون بر اتلاف وقت و هزینه هنرجویان، تضعیف جایگاه آموزش اصولی موسیقی در نگاه عمومی است. هنرجویی که با وعده‌های غیرواقعی جذب شده و پس از پایان دوره به نتیجه‌ای ملموس نمی‌رسد، نه‌تنها دچار سرخوردگی می‌شود، بلکه گاه کل فرآیند آموزش موسیقی را ناکارآمد و بی‌ثمر تلقی می‌کند. این چرخه معیوب، در نهایت به بی‌اعتمادی عمومی نسبت به آموزشگاه‌ها و مدرسان، و تخریب سرمایه اجتماعی آموزش موسیقی منجر می‌شود.

ضروری است نهادهای نظارتی، علاوه بر بررسی صلاحیت مدرسان، بر محتوای تبلیغاتی و ادعاهای آموزشی آموزشگاه‌ها نیز نظارت جدی و مؤثر داشته باشند. جلوگیری از طرح وعده‌های غیرعلمی، الزام به شفاف‌سازی فرآیند آموزش و برخورد با تبلیغات گمراه‌کننده، می‌تواند نقش مهمی در حفاظت از هنرجویان و بازگرداندن آموزش موسیقی به مسیر حرفه‌ای و اخلاقی خود ایفا کند. آموزش هنر، عرصه شعار و اغراق نیست؛ بلکه میدانی است که صداقت، تخصص و مسئولیت‌پذیری باید در آن اصل بنیادین باشد.

برش

آموزش موسیقی و مراقبت فرهنگی

آموزش موسیقی، بویژه آموزش آواز، صرفاً انتقال اطلاعات نیست، بلکه فرآیندی حساس، تخصصی و مسئولانه است که مستقیماً با جسم، روان و آینده هنری هنرجو در ارتباط است. هرگونه سهل‌انگاری در این حوزه، نه‌تنها به افراد، بلکه به کلیت فرهنگ و هنر جامعه آسیب می‌زند. اصلاح این وضعیت، نیازمند بازگشت به مسیر درست، بازتعریف جایگاه واقعی «مدرس»، و سپردن آموزش هنر به نهادها و افرادی است که صلاحیت آن را به‌درستی و به‌طور تخصصی دارا هستند.